

ارزش هوشی هر شخص منوط به پرورش طرز انجام کارهای فکری است که در محیط خود فرا میگیرد - پس بدین طریق موضوع سرشت اجتماعی هوش بر ما روشن شده و میتوانیم هوش را بدین مضمون تعریف کنیم :

هوش عبارت از استعداد ترتیب دادن کارهای فکری با رعایت اسلوبی است که نوع بشر در جریان زندگانی اجتماعی و در نتیجه آزمایشهای شخصی اخذ کرده است - بدین طریق اصل مجهولی که بعقیده استرن از شخص بروز میکند ظاهرا در دایره نفوذ اجتماعی محیط وارد شده و ذکر تعریف درباره آن غیر مقدور نیست -

از طرف دیگر تحقیقاتی که خود ما بعمل آورده ایم در تکمیل و تأیید نتایجی که مؤلفین مذکور بدست آورده اند کمک نموده است - اداره راهنمای مشاهده شهر لوکزامبورگ بخشهای تحصیلی و ضعیفی دوستان نفر دانش آموز را که باخر مدت مقرر تحصیلات ابتدائی رسیده یعنی در جریان سال تحصیلی ۱۴ سال داشته و در وسط همانسال مورد آزمایش قرار گرفته بودند در دسترس ما گذارده است - از آنجائیکه همه فیشها توضیحات کافی در تعیین اوضاع اجتماعی والدین دانش آموزان نداشت فقط ۱۷۳ فیش مجموعاً از بین همه مجزا گردید - چون معمولاً اطفالی که از خانواده های ثروتمند هستند پس از فراغت از تحصیلات ۶ ساله ابتدائی بؤسسات Athénée^۱ یا آموزشگاههای حرفه مخصوص وارد میشوند فقط طبقات اجتماعی چهارگانه ذیل منظور گردید تا دانش آموزان بر حسب محیط هر یک از آنها طبقه بندی شوند :

I بازرگانان و افرار مندان مستقل و صاحبان مؤسسات .

II مستخدمین دون رتبه

III پیشه وران و افرار مندان که بخدمت دیگران گماشته شده اند

IV کارگران

بدینوسیله است طبقه بندی مذکور را که تعیین بعضی حدود آن دل بخواهی بوده نمیتوان از هرگونه انتقاد بپرا دانست زیرا میان مستخدمین دون رتبه اشخاصی پیدا میشوند که درجه معلومات آنها بیش از افرار مندان مستقل است و همچنین وضعیت برخی از کارگران دارای شغل ثابت نسبت بمستخدمین دون رتبه برتری دارد ولی میتوان تا حدی فرض نمود که این اختلافات بخودی خود نسبت بیکدیگر موازنه و جبران میشوند .

۱۷۳ دانش آموزانی که انتخاب شده بودند بمقدار ذیل بچهار طبقه فوق الذکر نسبت داشتند :

طبقه	I	II	III	IV
عده دانش آموز	۲۷	۴۴	۵۱	۵۱

جدول ذیل نشان میدهد که چند نفر از دانش آموزان هر طبقه بطور عادی بکلاسهای ۷ و ۸ متوسطه موفق شده و چند نفر با وجود گذراندن ۸ سال در آموزشگاه در کلاسهای پائین باقی مانده اند :

(۱) مؤسسه ایست که دانشمندان و ادبا برای درس دادن و خواندن آثار برای یکدیگر

در آنجا جمع میشوند .

طبقه

طبقه	I	II	III	IV	مجموع
عده که بکلاس هفت یا ۸ ارتقاء یافته‌اند	۲۴	۴۰	۳۸	۳۳	۱۳۵
عده که در کلاس ۶ و ۵ یا ۴ باقی‌مانده‌اند	۳	۴	۱۳	۱۸	۳۸

چنانکه مشاهده میشود عده دانش آموزانی که از طبقات III و IV در کلاسهای پائین باقی‌مانده‌اند نسبت به عده طبقات I و II بیشتر است - پس از آن خواستیم بدانیم آیا طبقات چهارگانه مذکور از لحاظ نتایجی که در رشته های مختلف تحصیلی بدست آورده‌اند اختلافاتی دارند یا خیر برای تأمین این منظور ۲۵ نفر دانش آموز از هر طبقه تصادفاً برای مقایسه بایکدیگر مجزا نمودیم - چون نیش های تحصیلی دانش آموزان نتایج را بخوبی تعیین نموده بود لهذا معدل نمراتی که هر يك از آنها در سه رشته عمده آلمانی و فرانسه و ریاضی که حد اکثر نمره برای هر رشته ۶۰ تعیین شده بود حساب کرده بعد همین رویه را برای رشته های تاریخ و جغرافیا و علوم طبیعی و رسم که در درجه دوم واقع شده و حد اکثر نمره هر يك ۳۰ تعیین شده بود اتخاذ کردیم -

جدولهایی که ذیلا ملاحظه میشود معدل نمرات هر يك طبقه را در رشته های عمده و درجه دوم تعیین مینماید :

رشته های عمده	حد اقل نمره	حد اکثر نمره
دسته اول	۲۶	۵۳
دسته دوم	۱۱	۵۲
دسته سوم	۲۰	۴۹
دسته چهارم	۱۱	۴۶

رشته های درجه دوم	حد اقل نمره	حد اکثر نمره
دسته اول	۱۵	۲۸
دسته دوم	۱۰	۲۸
دسته سوم	۱۴	۲۷
دسته چهارم	۱۱	۲۶

از جدولهای فوق معلوم میشود که معدلیها متدرجاً از دسته اول تا دسته چهارم تنزل کرده باستانی معدل رشته های عمده که برای دسته سوم کمی بیش از دسته دوم است - در صورتیکه نتایج رشته های عمده و رشته های درجه دوم را با در نظر گرفتن اشل ۹۰ نمره مختلط نمایند اختلافات موجوده بین طبقات بیشتر محسوس خواهد شد بدین طریق :

معدل	حد اقل	حد اکثر
دسته يك	۶۳٫۲۸	۸۰
دسته دو	۵۵٫۰۴	۷۶
دسته سه	۵۴٫۶۸	۸۱
دسته چهارم	۵۰٫۳۲	۷۰

هر گاه این نکته را در نظر بگیریم که دسته های دوم و سوم غالباً از لحاظ معلومات با یکدیگر تفاوتی ندارند میتوان آنها را در يك ردیف بشمار آورده و در اینصورت اختلاف معدلهای برآب روشن تر بنظر میآید :

دسته	معدل	حد اقل	حد اکثر
دسته يك	۶۳٫۲۸	۴۵	۸۰
دسته دو و سه	۵۴٫۸۶	۲۰	۸۱
دسته چهار	۵۰٫۳۲	۲۲	۷۰

از مجموع تحقیقات فوق الذکر چنین مستفاد میشود که اطفال طبقات ممتاز غالباً بیش از سایر طبقات علائم هوش و ذکاوت از خود بروز میدهند چنانکه نتایج تحصیلی آنان و تست های هوش آزمائی تاحدی این نظر را تأیید مینماید - بدیهی است قسمت عمده نتایج تحصیلی اطفال بسته باوضاع خارجی و روحیات خانوادگی آنهاست که مسلمان در محیط های پرورش یافته بیشتر برای کسب معلومات مستعد هستند - اصل دیگری هم که در صحت آن تردیدی نیست آنستکه عادات و روشهای تعقل و استدلال نیز در اینگونه محیط ها بزودی انتقال یافته و هوش را برای حل سریع مسائل نظری و عملی که برور ایام پیش میآید آماده میکند بنا براین میتوانیم اظهار داریم که هوش تأثیرات يك محیط مساعد را بهسولت تلقی میکند و روی همین اصل است که دول سومی دارند تعلیمات عمومی را توسعه دهند که از اینراه بتدریج در اوضاع اجتماعی آنها بهبودی حاصل آید -

اما در صورتی هم که بخواهیم اکتشاف جدیدی را که بر حسب نظریه لاهی بواسطه مداخله يك عامل ارثی اجتماعی در سرشت هوش پدید آمده است تأیید نمائیم با این وصف موفق نخواهیم شد تعریف هوش را از عنصر مجهولی که هنوز زیر بار تعریف علمی نرفته است کاملاً مبرا داریم زیرا در واقع عامل ارثی انفرادی نیز بجای خود باقی است که هنوز نتوانسته اند در تشکیل و ساختمان اصلی آن تحقیقات صحیحی بدست آورند - چه با اتفاق افتاده است که در ضمن تحقیقات راجع به هوش و محیط اطفالی را مشاهده کرده اند که با وجود نسبت داشتن بطبقات پست اجتماعی هوش و ذکاوتی از خود بروز داده اند که از حد متوسط هم تجاوز کرده است -

بدیهی است در محیط های مساعد عده اطفالی که دارای چنین هوش هستند برآب بیشتر است - اما چنانکه مشاهده میشود در سایر محیط ها عده کافی از اینقسم اطفال پیدا میشود و همین باعث شده است که موضوع وراثت هر چه بیشتر توجه دانشمندان را بخود جلب نماید - تا کنون بجز قوانین Galton و Mendel که تا حدی پرده از روی این معما برداشته اند اصول دیگری را سراغ نداریم - ولی هر گاه چنانکه دانشمندان علم الحیات هم عقیده دارند این موضوع را قبول کنیم که تأثیرات خارجی مثل الکن تحت شرایط مخصوص و همچنین بعضی از امراض اثراتی بر plasma Germinatif بخشیده و تغییراتی در آن بوجود میآورد که بوسیله وراثت قابل انتقال است در آنصورت خواهیم توانست میزان و حساب

برای تأثیری که بعضی از اوضاع مساعد بر هوش انفرادی می بخشند تعیین ننایم .
 پرفسور Ohlker پس از آنکه در یکی از کنگره های اخیر ثابت نمود که
 Chromosome ها انتقال دهنده حقیقی صفات موروثی هستند اظهار داشت که شخصاً
 آزمایشهایی بعمل آورده و موفق شده است بوسیله اشعه Roentgen در تشکیل و ساختمان
 Chromosome تغییراتی بوجود آورد - مشارالیه یکی از اجزاء معین Chromosome را از آن
 مجزا کرده و بدینوسیله در بدن موجود زنده که از آن متولد شده بدشکلی های واضحی
 پدید آورده است . بعلاوه در ضمن آزمایش های خود بدین نکته پی برده است که عوامل
 خارجی هم در تغییر وظائف Chromosome ها مؤثر واقع میشوند -
 آیا با وجود چنین اکتشافات جامعه چگونه موفق خواهد شد که نفوذ خود را
 طوری بر توده های مردم هموار نماید که تحول و تکامل موروثی هوش به نفع مساعد و
 مناسبی متوجه گردد ؟

بعضی از کشورها در صدند که از متولد شدن اضافی که در ضمیمی بودن ارث
 اخلاقی و فطری آنها تردیدی است جلوگیری نمایند - اما کشورها عموماً متفقند که با تعمیم
 و تقویت تعلیمات اجباری و اصلاح اوضاع محیط های خانوادگی دایره هوش انفرادی اشخاص
 را حتی الامکان توسعه دهند - جای شبهه نیست که کلیه این اقدامات بمرور ایام مؤثر واقع
 شده و عاقبت هوش توده های مردم برای رفع حوائج جامعه و افراد بعد متوسط و کافی
 خواهد رسید - اما هرچند هم که میزان متوسط هوش جامعه رو بارتقاء رود این نکته را
 نمیتوان فراموش کرد که اختلاف درجات افراد هرگز از بین نخواهد رفت و باید دانست
 که این اختلاف مربوط بداخله مشترك Chromosome های پدر و مادر میباشد که اساس
 ارزش هوش افراد را تشکیل میدهند -

امروز ممکن است با استفاده از اسلوب معرفت النفس آزمایشی میزان این ارزش
 و همچنین اثری را که بر محصول حرقه و اجتماعی هر يك از افراد می بخشد بخوبی
 تعیین نمایند -

ترقیات تمدن امروزی و تمایلاتی که عموماً حکومت های مختلف در اصول آن
 متفق الرایند قطعاً در تسریع استقرار و تثبیت میزان متوسط ارزشهای هوش مؤثر خواهند
 بود ولی در هر صورت باید اذعان داشت که فیما بین حد اقل و حد اکثری که از تثبیت
 چنین چیز حاصل میشود حاشیه تمایزی برای نوابغ و همچنین اشخاص دیگری که بدرجات
 مختلفه هوش کنند تری رسیده اند باقی خواهد ماند .

ترجمه صادق طویبا